

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

۱۳۳۸

پاییز سال

بقلم: آقای عزیز دولت آبادی

رسم خط فارسی

در شماره گذشته مقاله‌ی بی‌عنوان «رسم خط فارسی»
بقلم آقای دکتر خیامپور درج شده و نویسنده در آنجا
از خوانندگان محترم نشریه درخواست کرده بود که
مقاله مزبور را انتقاد کنند و نظر خود را بنویسند.
اخیراً از طرف آقای عزیز دولت آبادی انتقادی رسیده
است که اینک برای اطلاع خوانندگان عیناً درج می‌شود:

اگر نتوانیم الفبای کنونی را بالاتین بر گردانیم و ناگزیر باشیم که تامدنی
با این خط معیوب بحیات علمی و ادبی خود ادامه دهیم باید با اصلاح نسبی آن همت گماریم
و یا برای جلوگیری از هرج و مرج موجود و یکنواخت ساختن رسم خط طرحهای
نوی بریزیم.

اینجانب به حکم علاقه بدون اینکه از ناتوانی خویش بیندیشم نظری چند... عرضه
میدارم و قبلاً از ذکر نکته‌ای که بمنزله محور این نظرات است ناگزیرم:

«مسلم است که اصول و قوانین هر قدر کمتر استشنا داشته باشد بیشتر
استقبال میشود؛ نباید فریفته زیبایی و کوتاهی کلمه شویم و علل منطقی را فدای

آن سازیم چون این عمل تولید استثنای بیشتری میکند و از رواج طرح می‌کاهد».

استاد در ماده اول چنین قید می‌فرماید: «هر کلمه بی‌واحد مستقلی است و بنا بر این اجزای آن باید به‌مدیگر پیوسته و خود آن از کلمات دیگر جدا نوشته شود مثل: این کتاب، آن کتاب، پنج‌روز ... ایوای، اینجا، آنجا». سپس در حاشیه متذکر می‌شوند که این سه کلمه آخر (ایوای، اینجا، آنجا) گرچه هر کدام در اصل دو کلمه بوده ولی آن دو کلمه باهم ترکیب یافته و کلمه واحدی تشکیل داده‌اند، چنانکه آهنگ نیز آن را بخوبی نشان می‌دهد، بنابراین آن‌ها را سرهم باید نوشت. و در بند ۴ تبصره اول قید می‌فرمایند که اسما و صفاتی را که در اصل جزء اول آنها وصف بوده و جزء دوم موصوف باشد باید سرهم نوشت مثل هشترون، اینجا، آنجا، نهصد (بخلاف یک‌هزار، پنج‌هزار و ...). که بموجب آهنگ اصلاً ترکیبی در آن‌ها نیست.

این طرح پس از طی مراحل خود بدست عده‌ای نیز می‌رسد که متوجه آهنگی که تولید وحدت در کلمات نماید نیستند و تقهیم این نکته برایشان دشوار بلکه محال است؛ و چون متأسفانه تعداد این گروه (که علت جدا نوشته شدن این کتاب و آن کتاب و یک‌هزار و سرهم نوشته شدن اینجا و آنجا و یکصد را تشخیص نمی‌دهند) کمتر نیست بنظر اینجانب بهتر است وقتی صفت بر موصوف مقدم همیشه آندورا در حکم واحد مستقلی بدانیم و بدون در نظر گرفتن آهنگ حتی الامکان همه را سرهم بنویسیم مثل این کتاب، آن کتاب، پنج‌روز، نیک‌مرد، اینجا، آنجا، یکصد، یک‌هزار و غیره مگر این‌که صفت مختم بهاء غیر ملفوظ باشد مثل: تیره خاك، سه‌روز. همچنین اگر این و آن و سایر صفات بجای موصوف نشسته و وظیفه مسندالیه داشته باشد باید جدا نوشته شود مثل:

«این، کتاب است» و «آن، دفتر است» و ...

طبق بند ۳ و ۴ تبصره اول از بین اسمها و صفت‌های مرکب که در حکم یک کلمه‌اند فقط مرخمت (اعم از اسم فاعل و اسم مفعول و مصدر) و مرکبات را (اعم از موصول و مقلوب)

که قسمت وصل شده جزء دومشان از دو حرف بیشتر نباشد سرهم مینویسند بخلاف: سخن شناس، شاه پسند، خون بها، صاحب نظر که قسمت وصل شده جزء دومشان بیش از دو حرفست.

اگر همه جا کوتاهی و زیبایی کلمه را رعایت کنیم و تابع علل منطقی نباشیم و بگوئیم که رسم خط فارسی نوعی نقاشی است این خود بحثی است؛ ولی ما کلماتی داریم که ۶-۸ حرف آن بهم اتصال یافته و در نتیجه تکرار و عادت زشتی خود را از دست داده است مثل: جنگلبان، خشمگین، متخصصین، مستقبلمین و غیره پس حذف این شرط که: (قسمت وصل شده جزء دوم از دو حرف بیشتر نباشد) و سرهم نوشتن کلماتی از قبیل سخن شناس، شاه پسند، خون بها، صاحب نظر و... بنظر اینجانب نه تنها لطمه ای زیبایی خط وارد نمیسازد بلکه از استثنا کاسته بر اهمیت طرح میافزاید.

استثناهای تبصره ۱ - استاد بمنظور زیبایی و کوتاهی کلمه به تبصره اول

استثنائاتی قائل شده اند از قبیل:

۱- مر کبی که حرف آخر جزء اول آن و حرف اول جزء دوم آن همجنس

باشد باید جدا نوشته شود مثل «پاک کن» «مهمان نواز»

۲- مر کبی از غیر پسوند و پیشوند که حرف آخر جزء اول آن یای ممدود

باشد باید جدا نوشته شود مثل «آزادی خواه» «بستنی فروش».

بنظر اینجانب چنانکه برخی از این مر کبها بصورت فعل امر بکار روند باید

جدا از هم نوشته شوند و در غیر این صورت چون در حکم يك کلمه اند بهتر است مشمول

ماده يك قرار دهیم و سرهم بنویسیم ولو اینکه کلمه در ابتدای امر ناها نوس و زشت

بنظر آید. مثال: «تخته سیاه را با پا ککن، پاک کن»

ماده سیم - استاد در قسمت ششم ماده سیم الف مقصور را مطلقا بشکل الف

مینویسند مثل: فتوا، منتها و غیره ولی برای اینکه از تغییر زیاد در رسم خط احتراز شود

اسامی خاص را از این حکم استثنا میفرمایند؛ در صورتیکه تعداد اسمها ئیکه بالف مقصور

منتهی میشود آنقدرها نیست که سبب تغییر زیاد در رسم خط باشد بنظر اینجانب اگر رسم خط عربی را در اینگونه اسمها رعایت نکنیم و مرتضی و مجتبی و نظایر آنها را نیز بشکل مرتضا و مجتبا بنویسیم شایسته خواهد بود و با اهمیت طرح نقصانی وارد نخواهد ساخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی